

"نظریه‌های نو" گزارش مجله منظر از کارگاه‌های تخصصی مرکز پژوهشی نظر است که در آن صاحب‌نظران برای نخستین بار یافته‌های نوین خود را که در اثر تأمل در موضوع قدیم بدست آورده‌اند به بحث می‌گذارند. این نظریه‌ها به تدریج در قالب مقاله‌های مستقل به طور مشروح عرضه می‌شود.

گزارش: ریحانه مطلبی

# آوای هستی باغ ایرانی



این موضوع، که معمار باغ ایرانی دقیقاً چه کسی بوده است، در دست نیست. ولی حضور آگاهی و اندیشه او، همیشه در باغ ایرانی محسوس بوده است. در حقیقت فکر و اندیشه هنرمند باغ‌ساز ایرانی، در عالم معنا سیر می‌کرده و صورت باغ ایرانی را با طبیعت می‌ساخته است. همچون الگوی ثمربخشی که در ذات باغ ایرانی نهفته است. منطق ثمربخشی باغ ایرانی اصیل و قدرتمند است، هیچ‌گاه فقط از یک گونه گیاهی (مانند درختان گیلان در باغ ژاپنی) استفاده نمی‌شده است. در باغ ایرانی در هر صفا، گونه‌های مثمر کاشته می‌شده است. در صفای درخت سیب، صفای دیگر درخت زردآلو و هلو و سایر گونه‌های مثمر. چنان که در کتاب «روضه‌الصفاء» تنها صحبت از باغ‌های مثمر است. الگوی مثمر چه در باغ‌های شاهی و رسمی و چه در باغ‌های سنتی و در حیاط‌های خانه‌های مردمی، همواره وجود داشته است. حتی اصالت کاشت گونه‌های مثمر در حیاط خانه‌های امروزی و زندگی کنونی ما ادامه یافته است. این فرهنگ از دل و جان برخاسته و بر جان نشسته و این جان است که منتظر شکوفه‌های بهاری و اغنای احساسات است.

ما در عالم ناسوت، پدیده‌ها را با حواس خود (بویایی، شنوایی، بینایی، چشایی و لامسه) تجربه می‌کنیم. در این راستا، دیدن باغ ایرانی، تجربه زیبایی صرف نیست، بلکه اغنای حس زیبایی "است. باغ ایرانی حس بینایی و حواس دیگر را اغنا می‌کند؛ در باغ ایرانی برای اغنای حس بینایی از رنگ گیاهان مختلفی چون یاس زرد، بید شاخه سرخ و بیدمشک استفاده می‌شود، تا با وجود آنها در فصول مختلف چون خزان و زمستان، باغ ایرانی رنگ خود را حفظ کند. رنگ‌ها در فصول مختلف متفاوتند و مدام عوض می‌شوند. تقدم و تأخر گل و برگ در باغ ایرانی خوب رعایت شده و منظر پویای آن، چشم‌نواز است.

حس بویایی را، با کاشت گل محمدی در گلستان‌ها، درخت نارنج در نارنجستان‌ها و کاشت درختان سیب و با پیش‌قراولانی مانند گل نرگس و سنبل غنا می‌بخشد، و اساساً بوی خوش در جامعه ایرانی حامل معناست. حس شنوایی را از طریق غوغای خوش پرندگان که ارمغان طرح کاشت خاص باغ ایرانی است، اغنا می‌کند. کاشت درختانی که شاخه‌های باز دارند، همچون صنوبر و توت، برای دعوت بلبان و کاشت درختان مترکم، همچون نارون برای گنجشک‌ها. باغ ایرانی هیچ‌گاه فواره‌های بلند دوران باروک را نداشته، در عوض در فواره‌های آن، آب حرکت آرامی دارد و صدای خروشان در آن جایی ندارد. در فواره‌ها، سینه‌کبکی‌ها، آبشارها، صدای آب آرام و دل‌نشین است و ترنم صدا، آرامش محیط را دوچندان می‌سازد. باغ ایرانی همچون باغ فین به ما اجازه لمس آب را می‌دهد. باید گفت باغ ایرانی مظهر هنری کامل است، احساسی را به اجبار القاء نمی‌کند.

باغ ایرانی را با احساس خود بخواه.

باغ ایرانی، باغ احساس و ادراک است. ادراکی بی‌واسطه که حس می‌شود و احساسی که در اثر انطباق روح انسان با طبیعت در سازمانی که هنرمند باغ‌ساز ایرانی آفریده به دست می‌آید ■

نهمین کارگاه نظریه‌های نو، در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۴، در محل پژوهشکده نظر تحت عنوان "آوای هستی باغ ایرانی" با سخنرانی مهندس «مهدی شیبانی» برگزار شد. وی، باغ ایرانی را نه از جنس کالبد و ماده، بلکه از جنس دل می‌داند و قرائتی جدید از باغ ایرانی ارائه می‌دهد که کمتر در متون چاپ‌شده به چشم می‌خورد. ایشان باغ ایرانی را از منظری دیگر نگاه می‌کند: منظر شرقی. انسان ایرانی به دلیل باورهای خود نسبت به طبیعت، عناصر طبیعت و منظر را اشیایی نمی‌داند که در ترکیبی موزون و زیبا و از حیث مادی به کار گرفته می‌شوند بلکه در نظر وی، هنرمند باغ‌ساز ایرانی با سیر در عالم بالا (جبروت) به مفاهیم و معانی خاصی از طبیعت و عناصر آن دست پیدا می‌کند که در زمان طرح‌اندازی باغ، به آن مفاهیم صورت مادی می‌بخشد. در نتیجه باغ ایرانی، اقتباس مادی از طبیعت شمرده نمی‌شود؛ بلکه بیان تفسیری از طبیعت است که در عالمی دیگر برای هنرمند رخ داده است. از این روست که می‌توان میان باغ ایرانی و سایر هنرهای این سرزمین، مشابهت‌هایی را سراغ گرفت بی‌آنکه نیاز به ایجاد شباهت‌های صوری و مادی باشد. اشتراک باغ ایرانی با سایر هنرهای ایران در ریشه‌های آنها که در عالم جبروت می‌باید مشاهده کرد.

اولین نکته که در این بحث، ذهن‌ها را مشغول خود کرد، ماهیت هنر کامل بود. هنری که فناپذیر باشد، چگونه است؟ هنری که زیبایی صرف مادی نبوده، سبک‌گرا و زاییده فکر نباشد. هنری که کسی آن را حفظ نمی‌کند و خود حافظ خویش است. هنری که با هر انسانی در هر کجا، توانایی برقراری ارتباط داشته باشد. هنری که نیاز به زیرنویس و توضیح نداشته باشد. پاسخ ایشان چنین بود: هنری کامل است که فرهنگ مردمی در ذاتش باشد. در ادامه بحث، این ادعا را که باغ ایرانی نمایانگر هنری کامل است باید بررسی کرد. آیا باغ ایرانی، مظهر هنری مردمی است؟ آیا باغ ایرانی در فرهنگ مردم جایگاه خود را حفظ کرده است؟

برای پاسخ به این سؤال نیاز بود که از ریشه و سرچشمه هنرها و عوالم هستی؛ جبروت، ملکوت و ناسوت و ... سخن به میان آید. اثر هنرمند واقعی، که هنر متعالی عرضه می‌کند، ریشه در عالم جبروت دارد و آنگاه که این هنر وارد عالم ناسوت می‌شود، صورت‌های گوناگون می‌پذیرد: اشعار عارفانه شیخ اجل سعدی و حافظ و مولانا، موسیقی، معماری و سایر هنرها دارای ریشه‌های مشترک و جبروتی هستند که یافتن وجوه اشتراک و کشف اتصالاتشان در عالم ناسوت و ماده کاری نادرست است. چراکه اثر و مؤثر در هنرها، ناسوتی نیست. در باغ ایرانی، هنرمند با حرکت در عالم جبروت حقیقتی متعالی کشف کرده است. باغ ایرانی دارای ریشه‌های جبروتی است که حتی در غیاب مدافعینی جدی طی قرون ۶ و ۷ هجری، در سایر هنرها نیز نفوذ داشته است.

از باغ ایرانی به عنوان "هنری مفهومی، ذاتی، معنایی، قدسی، کمال‌یافته، متعالی و جامع جمیع هنرها" می‌توان یاد کرد که ارتباط ما با آن از طریق احساس بوده و می‌تواند ما را (در درجه پایین‌تر) به عالم ناسوت و یا (در درجه بالاتر) به عالم جبروت برساند. اطلاعاتی از

New Theories is a section of Manzar academic journal which is dedicated to the specialized workshops of Nazar Research Center that has started since 2009. It provides an opportunity for academics to share and discuss their findings as the result of delving into ancient themes. These theories are presented to readers as comprehensive reports.

Reported by: Reyhaneh Motalebi

# Existence Sound of Iranian garden

The 9th workshop of new theories was held in Nazar Research Center in 5th of February 2013 by the title of "Existence sound of Iranian garden" and Mr. Mehdi Sheybani's speech. He described that Iranian garden is made of spirit instead of being made from physical materials. He also presented a new reinterpretation of Iranian garden which has not been offered in any previous published book.

The essence of a perfect art was the first thing to think about. What is a perfect art like? A type of art which is not merely dedicated to beauty, but also to a style or concept. A type art which is not preserved by anyone; it preserves itself, A type of art that people can connect to anywhere in the world, a type which is not in need of description: the type of perfect art with the essence of people's culture.

Is Iranian garden a sample of public art? Has the Iranian garden a special place in people's culture?

To answer these questions, it is necessary to discuss the origins of all kinds of art and the world; salvation, dominance and temporality. A masterpiece of a real artist lies within the immortal world and it gains multiple shapes when it enters the mortal world: music, architecture and other forms of art have immortal origins due to the immortality of effects and affect. The artist lives in the salvation world and discovers the reality. Iranian garden has salvation origins and has penetrated into other forms of art through the 6th and 7th century.

Iranian garden can be known as "conceptual, essential, semantic, saint, mature, transcendent and inclusive of all arts" through our relationship with it which can lead us to the temporal world (in lower grades) or allow us in delivery of the universe (in higher grades). There is no precise evidence about who the architect of Iranian garden is, however the presence of his consciousness and his beliefs has always been sensible in Iranian garden. In fact, the beliefs and thoughts of Iranian gardening artist existed in the sensible world and he has formed the shape of Iranian garden in the nature alike the beneficial way which lays within the essence of Iranian garden. The productive sense of Iranian garden is powerful and original, no special plant species (alike cherry trees in Japanese garden) was only used in Iranian garden. A productive type of vegetation was planted in every platform of Iranian garden such as apricot and peach trees. In Rozat alsafa book you can read about these productive gardens. This productive pattern for Iranian garden can be seen both in royal and ordinary gardens and this tradition of planting productive plants has continued and observed in our backyards. This is an ancient tradition and we always wait for spring blossoms and enriching our feelings.

We experience our temporal universe with our senses (smell, hearing, sight, taste and touch). In this regard, visiting Iranian Garden is not just a beautiful experience, but "enriching the sense of beauty". The Iranian garden enriches the sense of sight and other senses; the sense of sight is enriched by several plants such as the color yellow jasmine, roses and willows, so there are different colors in the garden during seasons like autumn and winter. Iranians are always waiting to watch blossom.

The sense of smell is enriched by planting orange and apple trees as

well as scented flowers such as damask roses and narcissuses. The sense of hearing is enriched by birds' commotions which is a gift of special planting pattern of Iranian garden. Planting trees with open branches such as pine invites nightingales and voluminous ones such as elm trees are appropriate for sparrows. Iranian gardens never had tall baroque fountains; instead a slow and silent water movement is provided which does not scare nightingales. There is a desirable sound of tranquil water in Iranian garden. The Iranian garden offers a freedom of feeling the water, like Fin garden.

In fact, it is a sample of a perfect art which does not impose any feeling intentionally.

One should desire the Iranian garden with his feelings.

The Iranian garden is a garden of perception and feeling; a direct perception which is felt, a feeling obtained through conformity of human spirit with nature which is organized by the Iranian gardening artist.